



نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

زندانی و مرگ بکتاش آبتین، نقض آشکار حقوق بشر است

بسمه تعالی

خبر کوتاه است و جانکاه: بکتاش آبتین، نویسنده، شاعر، فیلم‌ساز، عضو کانون نویسندگان ایران و زندانی سیاسی و عقیدتی در اثر اهمال مسئولان زندان درگذشت. این ضایعه موجب تاسف و تالم فراوان است؛ نه فقط از آن جهت که هنرمندی متعهد از میان ما رفت، بلکه از آن رو که انسانی به خاطر عقیده و بالاتر از آن، به خاطر باور و مطالبه آزادی بیان و مبارزه با سانسور به حبس و زنجیر کشیده می‌شود و مسئولان نظام و انقلابی که متمرکز بر مطالبات استبدادستیزانه بود و وعده می‌داد که: «در جمهوری اسلامی ایران، مارکسیست‌ها هم در بیان عقاید آزادند» به جای آن که به تنبیه و پیگرد مباشران و مقصران این واقعه تلخ و البته تکراری بپردازند و خود را موظف به پاسخ‌گویی به افکار عمومی ببینند، با بی‌اعتنایی و مسئولیت‌گریزی و فرافکنی از کنار چنین رخداد هولناکی عبور می‌کنند. در بهمن ۱۳۵۷ کسی گمان نمی‌برد که روزی برسد که شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران به جرم دگراندیشی و باور به آزادی و کرامت بشر به بند کشیده شود.

مرگ بکتاش آبتین، نخستین نمونه از این دست نیست، اما چرا نباید آخرین باشد؟ التزام به قانون اساسی و پایبندی به فصل سوم و به ویژه اصل بیست و سوم آن که بدون هیچ پرده‌پوشی مقرر می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد» از کدام ابهام برخوردار است که راه را بر مفسران قانون‌شکن باز می‌کند و منجر به بازداشت و محبوس ساختن نویسندگان و شاعری می‌شود که در سوگ به مسلخ رفتن شاعری دیگر نشسته و در مراسم یادبود او در فضای محدود گورستان حضور یافته است؟ از اصل ۳۶ قانون اساسی که تصریح می‌کند: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد و از اصل ۳۷ این قانون که تاکید صریح بر برائت

عام شهروندان دارد، چگونه می‌توان به این قاعده ناروا و برداشت تنگ‌نظرانه رسید که هنرمندان و نخبگان و آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان این سرزمین به حبس و حصر کشیده شوند؟ آیا کلامی آشکارتر و غیرقابل نقض‌تر می‌توان یافت از آن‌چه در اصل ۵۶ این قانون اساسی بیان شده و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش را غیرقابل سلب دانسته و به رسمیت شناخته است؟

نهضت آزادی ایران هشدار می‌دهد که مرگ بکتاش آبتین و امثال ایشان، فراتر از تعلل‌های شخصی و کوتاهی مدیریت‌های میانی در سازمان زندان‌هاست، این واقعه یک نشانه است که پرده از تداوم فرآیندی سیستماتیک بر می‌دارد که اعتقادی به حقوق بشر، آزادی و حاکمیت ملت ندارد و دلالت بر این حقیقت تلخ دارد که تفکر حذفی پایان نگرفته و همچنان جاری است .

نهضت آزادی ایران یادآوری می‌کند که به بند کشیدن دگراندیشان سیاسی و عقیدتی افتخار و اعتباری برای مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به همراه ندارد. این نظام، برخاسته از انقلابی مردمی است که اساسی‌ترین مطالباتش، آزادی و عدالت و جمهوریت و استقلال و اسلامی‌رحمانی و سازگار با مفاهیم دنیای جدید بود. بکتاش آبتین اهل اسلحه به دست گرفتن و تخریب و انهدام نبود و کاری جز نویسندگی و به‌کارگیری واژگان و تصاویر هنرمندانه نداشت. مسئولان قضایی و امنیتی از ابتدا نسبت به بیماری‌های زمینه‌ای او آگاه بودند و از ماه‌ها پیش نشانه‌های اوج گرفتن ناتوانی‌های جسمی و ابتلاهای مکرر به کرونا در وی ظاهر شده بود. شدت بیماری در این مرحله واپسین نیز، امری پوشیده نبود و همگان از آن خبر داشتند، اما لجاجت مسئولان زندان و بی‌توجهی مقامات دادسرا که متأثر از مداخلات امنیتی به شمار می‌رود، موجب شد تا روند درمانی با تاخیر و مرگ مواجه شود. مسئولان قضایی باید به افکار عمومی پاسخ دهند که چه ضرورتی بر اجرای حکم بکتاش و اصرار بر ادامه زندان او با وجود این همه بیماری وجود داشت؟ ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری دلالت دارد که بیماری شدید محکوم‌علیه اعم از سیاسی یا مجرمان عادی و احتمال نسبی آسیب دیدن آنان، از جمله مواردی است که می‌تواند موجب توقف اجرای حکم شود، اما مقامات زندان و دادستانی به این ضرورت مسلم بی‌اعتنایی نشان دادند و مصیبتی را پدید آوردند که قابل پیش‌گیری بود.

نهضت آزادی ایران هشدار می‌دهد که در شرایط کنونی که آبربحران‌های عدیده و چندلایه کشور و نظام را تهدید به فروپاشی و ناامنی می‌کنند، اعتراضات مدنی شدت گرفته و روندی رو به فراگیری خشونت را نشان می‌دهند و در شرایطی که قدرتهای جهانی ما را احاطه کرده‌اند، راهی جز بازگشت به مردم و وفاداری به حقوق اساسی و حاکمیت ملت نمی‌تواند متضمن امنیت ملی، بقای نظام و دفاع از تمامیت ارضی ایران باشد. از این رو، مشفقانه و دردمندانه توصیه می‌کند که ضمن آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی و رفع حصر کامل از سرکار خانم دکتر زهرا رهنورد و آقایان مهندس میرحسین موسوی و حجه‌الاسلام مهدی کروبی که هر سه تن در معرض بیماری و کهولت قرار دارند، حاکمیت جمهوری

اسلامی ایران تن به اصلاحات ساختاری به‌ویژه در دستگاه قضایی داده و با پیگرد کیفری و مجازات آمران و عاملان اصلی حادثه مرگ زنده‌یاد بکتاش آبتین، راه را بر تکرار چنین فجایعی در آینده ببندد .

والعاقبه للمتقين .

نهضت آزادی ایران

۲۴ دی ۱۴۰۰